

سرمایه فرهنگی و بازتولید بین نسلی: تاثیر سرمایه فرهنگی والدین بر موفقیت تحصیلی فرزندان در شهر اصفهان

(از صفحه 53 تا 70)

منصور حقیقتیان¹

تاریخ دریافت: 92/12/18

تاریخ پذیرش: 93/1/26

چکیده

سرمایه فرهنگی از جمله مفاهیمی است که در سال های اخیر اهمیت زیادی یافته است و اشاره به کیفیت ها و توانمندی های فرهنگی پایدار افراد مانند پشتکار داشتن، اهل مطالعه بودن، به کارگیری رایانه در خانه، و مانند آن دارد. از طرف دیگر، آموزش و تحصیلات نوجوانان همیشه یکی از مسایل مهم جامعه شناسی بوده است. در تحقیق حاضر، میزان تاثیر سرمایه فرهنگی والدین بر موفقیت تحصیلی فرزندان مورد بررسی قرار گرفته است. چارچوب نظری تحقیق با استفاده از نظریه های پیر بردیو و پال دیماجیو شکل گرفته است. روش تحقیق در این پروژه پیمایش و تکنیک جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته می باشد. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی دانش آموزان سال آخر دبستان و سال آخر راهنمایی شاغل به تحصیل در مدارس ابتدایی و راهنمایی مناطق 6 گانه آموزش و پرورش شهر اصفهان می باشند که از آنها بر اساس فرمول کوکران، برای مقطع ابتدایی 410 و برای مقطع راهنمایی 366 نفر به صورت تصادفی چند مرحله ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای روایی پرسشنامه از روایی صوری و برای پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج توصیفی تحقیق نشان داد که میانگین سرمایه فرهنگی والدین نزدیک به $3/3$ از 5 و میانگین

1. دانشیار جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

Mansour_haghighatian@yahoo.com

نظریه هم‌فرهنگی و گروه‌های هم‌فرهنگ

سرمایه فرهنگی دانش‌آموزان 3 از 5 بود. نتایج آزمون‌های آماری نشان داد سرمایه فرهنگی والدین تنها بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی تاثیر ناچیز ولی معنادار داشته است. از نظر میزان بهره‌برداری از سرمایه فرهنگی والدین، تفاوت معناداری بین دختران و پسران مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه فرهنگی والدین، سرمایه فرهنگی عینی، سرمایه فرهنگی تجسم یافته، جنسیت.

مقدمه

امروزه مسایل فرهنگی و از جمله سرمایه فرهنگی از مباحث بسیار جدی علوم اجتماعی شده اند. از طرف دیگر تحصیلات نوجوانان دغدغه فکری بسیاری از خانواده ها است، به این معنی که جوامع امروزی در یک فرایند پیچیدگی فزاینده قرار دارند و جوانان به خاطر این که بتوانند نقش های آتی خود را بهتر ایفا کنند باید مهارت ها و دانش های زیادی را کسب کنند و تجربه شخصی تنها برای این کار کفایت نمی کند، هم چنین باید اذعان داشت که هر چند بخش های زیادی از وظایف فرهنگی و تربیتی نهاد خانواده به نهادها و سازمان های دیگر واگذار شده، با این حال هنوز بخش زیادی از تربیت و پرورش فرزندان بر عهده خانواده است (فاسمی و کاظمی، 1387؛ حقیقتیان و همکاران، 1390) زیرا در آنجا است که فرزندان بسیاری از عادت ها و خلق و خوها را فرامی گیرند. اما سخن مهم در این زمینه این است که کدام دسته از پدر و مادرها با چه نوع رفتار و منشی می توانند بیشترین اثر را در هدایت تحصیلی و شکوفایی استعدادها و تبلور خلاقیت های ذهنی فرزندان داشته باشند. در بسیاری از مطالعاتی که در مورد عوامل گوناگون موثر بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان صورت گرفته است پیشینه خانوادگی به عنوان یک متغیر ترکیبی متشکل از تحصیلات و درآمد خانواده در نظر گرفته شده است، اما پیشینه خانوادگی یک واحد نیست و از نظر تحلیلی می تواند حداقل به سه عنصر یا جزء تفکیک شود که عبارتند از سرمایه مالی یا اقتصادی، سرمایه اجتماعی، و سرمایه فرهنگی (کلمن، 1988؛ 1990). سرمایه فرهنگی به کیفیت های آموزشی مانند پشتکار داشتن، نحوه درس خواندن، اهل مطالعه بودن، و هم چنین به موضوعاتی مانند وجود و به کارگیری کتابخانه یا رایانه در منزل، رفتن به موزه یا نمایشگاه، اهل مطالعه بودن والدین اشاره دارد که می توانند تاثیر مثبت بر آموزش و یادگیری دانش آموزان داشته باشند. در تحقیق حاضر، سعی بر این است که سرمایه فرهنگی را در قالب خانواده و آن گونه که بوردیو (1983) مطرح ساخت مورد مطالعه قرار داده و تاثیر آن را بر عملکرد آموزشی فرزندان اندازه گرفت.

واکاوی مفهوم سرمایه فرهنگی

بورديو ادعا می کند که موانع اقتصادی به تنهایی برای تبیین تفاوت های عملکرد تحصیلی کودکان برخاسته از طبقات اجتماعی متفاوت کافی نیستند و باید، فراتر از مسائل اقتصادی، به عادت ها و رویه های فرهنگی به ارث رسیده به فرزندان نیز توجه اساسی داشت (به نقل از وینینگر و لاریو، 2006:1). بورديو (1983) معتقد است که خانواده ها در واقع دارای چهار نوع سرمایه می باشند که این ها عبارتند از سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، و سرمایه نمادین. از نظر بورديو، سرمایه فرهنگی شامل گرایش ها¹، شیوه ها و کیفیت های فکری و عادت های دیرپایی² می شود که از طریق آموزش (مخصوصا در خانواده) و جامعه پذیری به دست می آیند و به سه صورت می تواند وجود داشته باشد:

1- سرمایه فرهنگی تجسم یافته³ نشان دهنده چیزهایی است که افراد می دانند و یا می توانند انجام دهند و شامل تجربه ها، مهارت ها و دانش های افراد می شود مانند مهارت ارتباط برقرار کردن با دیگران، خوب صحبت کردن، خوب درس خواندن، پشتکار داشتن و یا داشتن دانش ریاضی یا دانستن زبان دوم. در حقیقت می توان گفت سرمایه فرهنگی تجسم یافته بیانگر توانمندی ها و قابلیت های بالقوه ای است که به تدریج بخشی از وجود افراد شده اند و در او تثبیت یافته اند. سطح سواد و یا تحصیلات والدین در این زمینه تاثیر بسزایی دارد. والدین و مخصوصا مادران در دوران اولیه زندگی کودک بیشترین وقت را با او می گذرانند و تاثیر بسیار شگرفی بر او می گذارند. کودکان نیز از طریق فرایند همانند سازی از رفتار، منش ها و حالت های عاطفی والدین الگو برداری می کنند. بنابراین والدین تحصیل کرده که نسبت به این گونه مسائل آگاهی دارند تلاش می کنند از طریق بروز رفتارهای مناسب و حتی احیانا از طریق اصلاح رفتار خود، الگوی مناسبی برای فرزندان خود فراهم سازند.

-
1. Disposition
 2. Habitus
 3. Embodied

2- سرمایه فرهنگی عینی¹ شامل اشیاء و کالاهای فرهنگی مانند کتاب، فرهنگ لغت، و تابلوهای نقاشی می شود. این نوع سرمایه در واقع دسترسی فرد به منابع فرهنگی را آسان تر و بیشتر می کند و دشواری های یادگیری را کمتری کند و هم چنین به کودک القاء می کند که داشتن و استفاده کردن از این نوع کالاها نیز واجد ارزش می باشد.

3- سرمایه فرهنگی نهادینه شده² به صلاحیت ها و توانایی های تحصیلی اشاره دارد که به صورت مدارک و مدارج تحصیلی نمود پیدا می کنند و توسط نهادها و موسسه ها ضمانت اجرایی می یابند (بوردیو، 1983، زنجانی زاده، 1383 : 360).

مسئله مهم از نظر بوردیو این است که سرمایه فرهنگی، به جز نوع عینی آن، به صورت فیزیکی به ارث نمی رسد بلکه به طور تلویحی و ضمنی از طریق فرایند تربیت کردن و جامعه پذیری به فرزندان منتقل می شود. مسئله مهم دیگر در این زمینه این است که انواع مختلف سرمایه، یعنی سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی قابل تعویض و تبدیل شدن به یکدیگر می باشند، یعنی ثروت زمانی که به سرمایه فرهنگی تبدیل شود و به صورت تعهدات اجتماعی و به شکل ائتلاف ها، اعتبار، احترام و مدارک تحصیلی در آید می تواند قدرت تولید کند (کالینز و مکاوسکی، 1989: 254) و یا سرمایه فرهنگی زمانی که به صورت مدرک تحصیلی درآمده و باعث به دست آوردن شغل خوب شود می تواند تبدیل به سرمایه اقتصادی شود.

در نوشته های بوردیو، از آن جایی که تحقیقات او برخاسته از شرایط خاص جامعه فرانسه بود، تاکید زیادی روی علاقمندی و مشارکت در فعالیت های فرهنگی سطح بالا مانند موسیقی کلاسیک، بازدید از گالری ها و موزه ها و امثالهم شده است. برخی پژوهشگران مطرح کرده اند که این چنین تاکید در کشورهایمانند هلند، انگلستان و آمریکا دیده نمی شود و بنابراین سرمایه فرهنگی را به دو بعد هنرهای اشرافی³ و مهارت های شناختی - آموزشی⁴ تقسیم بندی کردند. هنرهای اشرافی به مشارکت کردن در رفتارهای فرهنگی

1-objectified

2-Institutionalized

3- Beaux arts

4- Cognitive – educative skills

خاص مانند کلاس پیانو یا موسیقی کلاسیک، بازدید از نمایشگاه های نقاشی و موزه ها ، مطالعه تاریخ هنر و فلسفه و اینگونه موارد اشاره دارد در حالی که مهارت های شناختی - آموزشی به اهل مطالعه بودن والدین، تشویق فرزندان به مطالعه توسط والدین، بحث و گفتگو کردن والدین با فرزندان و در کل به فراهم سازی یک محیط غنی آموزشی اشاره دارد (دگراف و همکاران ، 2000: 95 ؛ سولیوان ، 2001).

باید خاطر نشان ساخت که دیدگاه سرمایه فرهنگی اصولاً دارای یک رویکرد تضادی است، به این معنی که پیش فرض اساسی آنها این است که دانش و تحصیلات در جوامع امروزی یک کالای ارزشمند است و خانواده های برخاسته از طبقات متفاوت در به دست آوردن هرچه بیشتر آن کالا با یکدیگر رقابت می کنند و آنهایی که از برخی سرمایه ها میزان بیشتری در اختیار دارند، برای رقابت کردن در موقعیت بهتری قرار دارند و بنابراین می توانند میزان بیشتری از آن را به خود اختصاص دهند .

مبانی نظری

در ارتباط با این مسئله که چرا بعضی از والدین نسبت به مسایل درسی فرزندان خود حساسیت کمتر یا بیشتری نشان می دهند و در آن درگیر می شوند، سه دیدگاه وجود دارد : دیدگاه فرهنگ فقر¹ از اسکار لوئیس، دیدگاه سرمایه فرهنگی یا باز تولید فرهنگی² از بورديو و دیدگاه تحرک فرهنگی³ از پال دیماجیو⁴. دیدگاه فرهنگ فقر یا خرده فرهنگ طبقه پائین ادعا می کند که اقشار پائین جامعه و افراد طبقات پائین دارای گرایش ها ، باورها و هنجارهایی هستند که آنها را نسبت به دنبال کردن و سرمایه گذاری برای تحصیلات خوش بین نمی کند و آنها به صورت صریح و ضمنی در گفتار و عمل، فرزندان خود را به درس خواندن تشویق نمی کنند و از وقت، مال و انرژی خود خیلی برای آنها هزینه نمی کنند (ویلمز، 2000: 2211 ؛ لاریو ، 1987: 73) . براساس این دیدگاه واکنش

-
1. Culture of Poverty
 2. Cultural reproduction
 3. Cultural Mobility
 4. Paul DiMaggio

افراد طبقات محروم نسبت به نابرابری های اجتماعی یکسان و متجانس نیست به این معنی که هر چند بخش کوچکی از آنها به موقعیت طبقه های برتر به صورت آرمان گرایانه نگاه می کنند و سعی می کنند با تلاش، ادامه تحصیل و کسب مشاغل خوب، برخی از مزایای طبقات بالاتر را به دست آورند ولی بخش عمده طبقات محروم در احقاق حقوق خود به معارضه با طبقات برتر بر می خیزند و بجای پذیرش و هم نوایی با هنجارهای جاری و عمومی جامعه (که از نظر آنها هنجارهای طبقات استثمارگر هستند) هنجارهای متعارض با آنان را می پذیرند. در مقابل هنجارهای جاری مانند استقلال، کنترل داشتن روی زندگی، کسب موفقیت از طریق تلاش و سخت کوشی، برنامه ریزی برای آینده و آینده نگر بودن و مانند آن، افراد طبقات محروم احساس می کنند شانس نقش بزرگی در زندگی شان بازی می کند بنابراین تقدیر گرا هستند، و چون حوادث و مسایل را خارج از کنترل خود می بینند، برای آینده برنامه ریزی نمی کنند و اکنون گرا هستند و چون نسبت به دیگران خوش بین نیستند و احساس می کنند دیگران به دنبال سوء استفاده و بهره کشی از آنها هستند، در نهادهای مستقر جامعه از جمله آموزش و پرورش چندان مشارکت نمی کنند (احمدی و ایمان، 1384: 106؛ نیومن 2006: 364). در این راستا می توان به این یافته لاریو (1987) اشاره کرد که در مطالعه خود از دانش آموزان برآمده از طبقات مختلف دریافت که خانوادگی طبقات پائین تمایل چندانی به تماس گرفتن با مدرسه نداشتند و در ملاقات هایی هم که داشتند چندان راحت نبودند (همان، 78).

دیدگاه سرمایه فرهنگی یا باز تولید فرهنگی بوردیو (1983) مطرح می کند که نهادها و سازمان های گوناگون جامعه در باز تولید وضع موجود نقش اساسی ایفا می کنند. نهاد آموزش و پرورش آن گونه که طبقات بالا و متوسط ادعا می کنند یک نهاد بی طرف نیست که همه اقشار بتوانند به صورت مساوی از آن بهره مند شوند. از آن جایی که طبقات مختلف از میزان های متفاوتی از قدرت اجتماعی - اقتصادی برخوردار هستند، طبقات مسلط تر می توانند ارزش ها و هنجارهای خاص طبقه خود را به عنوان هنجارهای عمومی در نظام آموزشی جامعه جا بیندازند و آنها را به عنوان معیار اجتماعی شدن قرار دهند. نهاد آموزش و پرورش دارا بودن سرمایه فرهنگی را مفروض می دارد ولی گروه

اندکی از دانش آموزان، آنهایی که در طبقات بالاتر قرار دارند، این فرهنگ را در خانواده فرا می‌گیرند (سولیوان، 2001: 894). در واقع نقش نهاد آموزش و پرورش و مدارس این می‌شود که این هنجارها را در آحاد افراد جامعه درونی کنند. بنابراین فرهنگ، زبان و هنجارهای غالب در مدارس قرابت و هم‌نوایی بیشتری با هنجارها و رسوم فرهنگی طبقات بالا و تحصیل کرده دارد و فرزندان آنها از همان ابتدا با اندوخته‌ای از سرمایه فرهنگی وارد مدرسه می‌شوند که آنها را چند قدم جلوتر از بقیه قرار می‌دهد. دانش آموزان طبقات محروم بر عکس باید نخست خود را فرهنگ زدایی کنند تا بتوانند فرهنگ جدید رسمی را بیاموزند، آنها باید زبانی را که در خانه یاد گرفته‌اند کنار بگذارند و زبان رسمی مدرسه را بیاموزند و گرنه اخراج می‌شوند (جلالی، 1386: 26).

نظریه تحرک فرهنگی از پاول دویماجیو (1985) بیان می‌دارد که برای طبقات متوسط، موفقیت تحصیلی یک اهرم تحرک اجتماعی صعودی می‌باشد، یعنی افراد طبقات متوسط امکانات و رفاه طبقات بالا را مثبت ارزیابی می‌کنند و از آن مهم‌تر آنها را قابل دسترسی می‌دانند و تحصیلات را به عنوان راه رسیدن به آنها می‌پذیرند. بنابراین توفیق و پیشرفت تحصیلی بسیار مورد توجه شان قرار می‌گیرد. از این رو حساسیت تحصیلی و آموزشی آنها، یعنی میزان توجه و پیگیری و انتظار والدین به تحصیلات فرزندان خود - بعد ذهنی درگیری در امور درسی - و نیز آگاهی و پیگیری آنان در امور تحصیلی فرزندان - بعد عملی درگیری در امور درسی - بسیار زیاد می‌باشد (دهقان، 1383) همین‌طور اضطراب و نگرانی نسبت به شکست تحصیلی و پی‌آمدهای منفی آن برای این طبقه بسیار برجسته می‌شوند. از آنجایی که افراد طبقات متوسط به تحصیلات به عنوان یک اهرم ترقی و پیشرفت می‌نگرند، بنابراین فرزندان خود را ترغیب می‌کند که در رشته‌هایی تحصیل کنند که به مشاغل خوب و پر درآمد بیانجامد و یا سعی کنند تحصیلات خود را تا آنجا ادامه دهند که به این گونه مشاغل دست بیابند، بنابراین انتظارات تحصیلی والدین طبقات متوسط نیز از فرزندان شان بالاست.

در ابتدا باید خاطر نشان ساخت که اولاً در ایران تحقیقات تجربی چندانی درباره‌ی رابطه‌ی سرمایه فرهنگی خانواده‌ها با عملکرد درسی دانش آموزان انجام نشده است، ثانیاً معدود

تحقیقاتی هم که صورت گرفته بیشتر درباره دانش آموزان دبیرستانی یا پیش دانشگاهی بوده است. مثلاً نوغانی (1386) در «تاثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان پیش دانشگاهی در دست یابی به آموزش عالی» یک نمونه 1667 نفری از دانش آموزان دختر و پسر دوره ی پیش دانشگاهی مدارس دولتی و غیر انتفاعی استان خراسان را مطالعه کرد و به این نتیجه رسید که پیشینه تحصیلی دانش آموزان (ضریب بتا برابر با 0/59) و سرمایه فرهنگی والدین (ضریب بتا برابر با 0/27) اثر مثبت و معنا دار بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان داشت (نوغانی، 1386: 95-94). در خارج از ایران تحقیقات بیشتری صورت گرفته ولی آنها نیز به نتایج یکسانی دست نیافته اند. برای مثال لی و بوئن (2006) در «مشارکت والدین، سرمایه فرهنگی و شکاف موفقیت تحصیلی در بین کودکان مدارس ابتدایی» که بر روی یک نمونه 415 نفری از دانش آموزان سال سوم تا پنجم دبستان انجام گرفت دریافتند که مشارکت والدین و انتظارات والدین از کودکان در زمینه امور درسی، یعنی برخی از مولفه های سرمایه اجتماعی خانواده بیشترین رابطه را با موفقیت تحصیلی دانش آموزان داشتند (لی و بوئن، 2006: 211) و یا دگراف و همکاران (2000) در تحقیق خود با عنوان سرمایه فرهنگی والدین و موفقیت تحصیلی در هلند، متوجه شدند که تاثیر سرمایه فرهنگی خانواده یعنی مطالعه کردن والدین در منزل و فراهم سازی یک محیط فرهنگی غنی، بیشتر از تاثیر منابع اقتصادی خانواده بود (دگراف و همکاران، 2000: 103). سولیوان (2001) در تحقیقی که بر روی 465 دانش آموز سال آخر دبیرستان در انگلستان صورت داد دریافت که هر چند سرمایه فرهنگی والدین تاثیر معنی داری بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان داشت ولی مقدار اندکی ($\eta^2 = 0/23$) از تغییرات آن را تبیین می کرد و طبقه اجتماعی هنوز تاثیر بسیار چشم گیرتری در این زمینه داشت (سولیوان، 2001: 910).

ژاگر (2010) با استفاده از داده های مطالعه طولی سراسری از جوانان (کودکان و نوجوانان)¹ تاثیر سرمایه فرهنگی دانش آموزان 6 تا 14 ساله (نه خانواده آنها) را بر موفقیت تحصیلی آنها سنجید. نتایج نشان داد که سرمایه فرهنگی دانش آموزان بر موفقیت تحصیلی آنها

1- National Longitudinal Survey of Youth-Children and young Adults

تاثیر داشته است (ژاگر، 2010: 25) ولی تاثیر آن کمتر از آن مقداری است که در تحقیقات دیگر به دست آمده است (همان: 26). همانطور که از نتایج تحقیقات بر می آید، اثرگذار بودن سرمایه فرهنگی خانواده یا دانش آموزان بر عملکرد تحصیلی آنها هنوز مشخص نیست و تحقیقات بیشتری در این زمینه باید صورت گیرد تا به روشن شدن این مسئله کمک کند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پروژه پیمایش و تکنیک جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته می باشد. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی دانش آموزان سال آخر دبستان و سال آخر راهنمایی شاغل به تحصیل در مدارس ابتدایی و راهنمایی مناطق 6 گانه آموزش و پرورش شهر اصفهان می باشند که طبق آمار اداره کل آموزش و پرورش شهر اصفهان در سال تحصیلی 90-1389 به ترتیب 133586 و 80322 نفر بودند. حجم نمونه با احتساب $p=0/5$ برای مقطع ابتدایی و برای مقطع راهنمایی محاسبه شد. نحوه نمونه گیری برای هر دو مقطع روش نمونه گیری تصادفی متناسب با حجم بود، به این صورت که پس از مشخص نمودن تعداد دانش آموزان نواحی شش گانه، از هر ناحیه دو مدرسه پسرانه و دو مدرسه دخترانه به صورت تصادفی انتخاب شدند و سپس در هر واحد آموزشی نیز پرسشنامه ها به صورت تصادفی ساده در اختیار دانش آموزان کلاس های مربوطه قرار داده شد. در مقطع ابتدایی 420 پرسشنامه و در مقطع راهنمایی تعداد 400 پرسشنامه توزیع گردید که پس از کنار گذاردن پرسشنامه های ناقص در نهایت برای مقطع ابتدایی 410 و برای مقطع راهنمایی 366 پرسشنامه برای تجزیه و تحلیل آماری قابل استفاده بودند. سرمایه فرهنگی خانواده توسط 10 گویه مانند میزان تحصیلات پدر و مادر، تشویق و فراهم سازی امکان شرکت فرزندان در کلاس های فوق برنامه و مشارکت در برنامه های آموزنده در ساعات فراغت، مطالعه کردن، و به کارگیری اینترنت در خانواده مورد ارزیابی قرار گرفت. آلفای کرونباخ پایایی این گویه ها برای دانش آموزان مقطع ابتدایی برابر با 0/73 و برای دانش آموزان مقطع راهنمایی برابر با 0/71 به دست آمد. سرمایه فرهنگی

دانش آموز در دو بعد تجسم یافته و سرمایه فرهنگی عینی توسط 7 گویه مانند معدل سال قبل، نحوه گذران اوقات فراغت، شرکت در مسابقه های علمی - ورزشی، عضویت در کتابخانه و استفاده از اینترنت در منزل سنجیده شد. آلفای کرونباخ پایایی برای دانش آموزان مقطع ابتدایی برابر با 0/67 و برای دانش آموزان مقطع راهنمایی برابر با 0/69 شده است (برای مطالعه برخی مشکلات و پیچیدگی های مرتبط با سنجش سرمایه فرهنگی، به جانعلیزاده و همکاران، 1389 مراجعه شود). متغیر وابسته تحقیق، یعنی نحوه عملکرد دانش آموزان با معدل نیمسال اول و معدل آخر سال سنجیده شد. برای آزمون رابطه بین متغیرها از ضریب همبستگی و رگرسیون استفاده شده است.

یافته‌های توصیفی

جدول شماره (1) نتایج توصیفی تحقیق را درباره برخی متغیرهای مهم نشان می دهد. ارقام جدول حاکی از آن است که خانواده های اصفهانی اکثرا متعلق به طبقه میانی جامعه هستند و میزان سرمایه فرهنگی آنها نیز در حد متوسط است. از میان گویه های متفاوت سرمایه فرهنگی خانواده، میانگین گویه «علاقمندی والدین برای شرکت در کلاسهای زبان خارجی پاسخگو» برای دانش آموزان هر دو مقطع بیشتر از سایر گویه ها و میانگین گویه «تمایل والدین برای حضور پاسخگو در کلاس های فوق برنامه» کمتر از سایر گویه هاست. میانگین گویه «میزان ساعات مطالعه والدین در هفته» برای دانش آموزان هر دو مقطع نیز پائین می باشد. بیش از یک سوم والدین دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر هستند.

جدول شماره (1): توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس برخی متغیرها

متغیر	گزینه	ابتدایی		راهنمایی	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
جنسیت	پسر	46/3	190	56/8	208
	دختر	53/7	220	43/2	158

26/8	98	21/7	89	پایین تر از متوسط	طبقه
54/9	201	54/4	223	متوسط	اجتماعی
18/3	67	23/9	98	بالا تر از متوسط	
2/5	9	-	-	10-13	معدل
7/7	28	-	-	13/1-15	سال
13/4	49	0/01	3	15/1-17	قبل
74/9	274	0/99	407	17/1-20	
5 از 3/17		5 از 3/35		میانگین سرمایه فرهنگی والدین	
5 از 3/06		3 از 5		میانگین سرمایه فرهنگی عینی دانش‌آموزان	
5 از 3/04		5 از 3/31		میانگین سرمایه فرهنگی تجسم یافته دانش‌آموزان	

ارقام جدول شماره (1) هم چنین نشان می‌دهند که سرمایه فرهنگی دانش‌آموزان نیز در حد متوسط است. از میان گویه‌های مختلف این متغیر، "علاقمندی به ادامه تحصیل" بیشترین فراوانی و "استفاده از اینترنت در منزل توسط فرزندان" و "مطالعه کتاب والدین با فرزندان" کمترین فراوانی را داشتند.

استنباط آماری

در ارتباط با تاثیر سرمایه فرهنگی خانواده بر عملکرد آموزشی فرزندان، چنانکه ارقام جدول شماره (2) نشان می‌دهند، سرمایه فرهنگی والدین فقط بر عملکرد آموزشی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی تاثیر معنادار دارد. هرچند مقدار تاثیر (5 درصد) بسیار ناچیز است ولی به هر صورت همین مقدار تاثیر از نظر آماری معنادار است.

جدول شماره (2): تاثیر سرمایه فرهنگی والدین بر عملکرد آموزشی فرزندان

مقطع تحصیلی	نسبت بحرانی	خطای معیار	برآورد استاندارد	سطح معناداری
ابتدایی	0/998	1/194	0/090	0/318
راهنمایی	4/915	0/313	0/249	0/000

جدول شماره (3) رابطه بین سرمایه فرهنگی عینی دانش آموزان و عملکرد آموزشی آنها را نشان می دهد.

جدول شماره (3) : تأثیر سرمایه فرهنگی عینی دانش آموزان بر عملکرد آموزشی

مقطع تحصیلی	نسبت بحرانی	خطای معیار	برآورد استاندارد	سطح معناداری
ابتدایی	-0/023	5/323	-0/021	0/918
راهنمایی	3/188	0/214	0/165	0/001

آن چنان که از ارقام جدول شماره (3) بر می آید سرمایه فرهنگی عینی دانش آموزان نیز تنها در مقطع راهنمایی میزانی از تاثیر را داشته است و باز مانند مورد قبلی هر چند مقدار تاثیر نسبتاً ناچیز است ولی از نظر آماری معنادار است.

رابطه سومی که مورد سنجش قرار گرفت رابطه بین سرمایه فرهنگی تجسم یافته دانش آموزان و عملکرد آموزشی آنها بود که ارقام مربوط به آن در جدول شماره (4) ارائه شده است.

جدول شماره (4) : تأثیر سرمایه فرهنگی تجسم یافته دانش آموزان بر عملکرد آموزشی

مقطع تحصیلی	سطح معناداری	نسبت بحرانی	خطای معیار	برآورد استاندارد
ابتدایی	0/031	2/155	0/794	0/180
راهنمایی	0/000	9/209	0/081	0/434

ارقام جدول شماره (4) حاکی از تأثیر معنادار سرمایه فرهنگی تجسم یافته دانش آموزان به عملکرد آموزشی آنها می باشد و این مسئله در مورد دانش آموزان هر دو مقطع صادق است. اگر ارقام مربوط به "برآورد استاندارد" به توان دو برسند که میزان تأثیر گذاری را دقیق تر نشان دهند، می توان مشاهده کرد که مقدار تأثیر گذاری سرمایه فرهنگی تجسم یافته برای دانش آموزان مقطع ابتدایی حدود سه درصد و برای دانش آموزان مقطه راهنمایی نزدیک به 18/5 درصد می باشد و البته در این زمینه می توان بحث کرد که دانش آموزان مقطع ابتدایی هنوز بسیار جوان هستند و فرصت کافی برای اندوخته کردن

ویژگی های مرتبط با سرمایه فرهنگی عینی و یا تجسم یافته را نداشته اند و این مسئله می تواند تا حدودی میزان پائین تأثیرگذاری سرمایه فرهنگی بر عملکرد آموزشی دانش آموزان مقطع ابتدایی را تعیین کند.

از میان مولفه های گوناگون سرمایه فرهنگی، سرمایه فرهنگی تجسم یافته دانش آموزان بیشترین تاثیر را بر عملکرد آموزشی دارد و تاثیر سرمایه فرهنگی خانواده بر سرمایه فرهنگی خود دانش آموزان خیلی زیاد نیست. البته می توان ادعا کرد که سرمایه فرهنگی دانش آموزان در واقع از سرمایه فرهنگی والدین منتج می شود ولی از آن جایی که امروزه عوامل تاثیرگذار بر جامعه پذیری دانش آموزان منحصر به والدین نیست می توان ادعا کرد که مقداری از سرمایه فرهنگی دانش آموزان احتمالاً ناشی از تاثیر دوستان و معلمان باشد. یک سوال دیگر که ممکن است به ذهن بیاید این است که آیا خانواده ها سرمایه های گوناگون خود را به میزان مساوی در اختیار فرزندان دختر یا پسر خود قرار می دهند و یا اینکه بین آنها تبعیض قائل می شوند؟ یعنی اینکه با توجه به این تصور که جامعه ایرانی هنوز به مقدار زیادی سنتی است و پسران را بر دختران ترجیح می دهد بنابراین ممکن است امکانات خود را بیشتر در اختیار پسران قرار دهند تا دختران. برای آزمون این سوال از آزمون های لوین و T برای بررسی میانگین های متغیرهای اصلی در دو گروه دختران و پسران استفاده به عمل آمد که نتایج آن در جدول شماره (5) ارائه شده است.

جدول شماره (5): آزمون های لوین و t برای برابری میانگین ها

آزمون های t		آزمون های اوین		متغیر
Sig. دو طرفه	Df	Sig.	F	
0/454	364	0/823	0/050	سرمایه فرهنگی والدین
0/000	364	0/922	0/010	سرمایه فرهنگی دانش آموز
0/683	300	0/004	8/503	سرمایه اقتصادی

آن چنان که از ارقام جدول شماره (5) بر می آید تفاوت چندانی بین دختران و پسران از نظر میزان در اختیار داشتن سرمایه های خانوادگی وجود ندارد. تنها تفاوت دسترسی

فرزندان دختر و پسر به سرمایه فرهنگی والدین از نظر آماری معنادار است که آن نیز از نظر مقدار بسیار ناچیز است.

نتیجه گیری

از نظر دارا بودن سرمایه فرهنگی خانواده های اصفهانی در حد متوسط (میانگین $3/17$ از 5) قرار دارند. هرچند پژوهشگران تحقیق حاضر از مطالعه ای که سرمایه فرهنگی خانواده های اصفهانی را به شکلی که در این تحقیق سنجیده شده است مورد ارزیابی قرار دهد، اطلاع ندارد ولی از آن جایی که میزان تحصیلات والدین و هم چنین میزان مطالعه کتاب و نشریات از جمله عمده ترین مولفه های سرمایه فرهنگی خانواده هستند، مطالعات دیگری نیز که این مولفه ها را سنجیده اند به نتایج مشابهی دست یافته اند (کاظمی، 1387 ؛ شیخی، 1390). نتایج آزمون روابط بین متغیر های مستقل و وابسته نشان داد در ارتباط با تاثیر سرمایه فرهنگی خانواده بر عملکرد آموزشی دانش آموزان نیز باید بیان داشت که نتایج حاکی از تاثیر اندک ($m=0/12$) ولی معنادار بین این دو متغیر می باشد. این مسئله با نتایج تحقیقات سولیوان (2001) در انگلستان، و نوغانی (1386) در ایران همخوانی دارد.

ذکر این نکته در این جا لازم است که بحث بورديو (1983) درباره سرمایه فرهنگی بر این ادعا استوار است که برخی ارزش ها، عادت ها و هنجارها مانند رقابتی بودن، و پشتکار داشتن که باعث پیشرفت و ترقی از جمله پیشرفت تحصیلی می شوند و این که این ارزش ها را والدین طبقات مرفه، بالا، و متوسط جامعه به فرزندان خود یاد می دهند و چون سیستم آموزشی نیز یک سیستم رقابتی است، بچه های این خانواده ها از فرزندان والدین طبقات پائین تر جلو می زنند، یعنی خانواده های طبقات بالاتر با تکیه کردن بر درس های پایه ای و عام و با تشویق کردن فرزندان به سخت کوشی، آنها را برای این رقابت آماده می سازند. در تحقیق حاضر مشاهده شد که اکثریت قاطع والدین (از همه طبقات اقتصادی و اجتماعی) روی درس های ریاضی، علوم، و پایه تکیه داشتند (میانگین $4/9$ از 5) و هم چنین اکثر دانش آموزان احساس می کنند که توقع و انتظارات والدین شان از آنها

در مسایل درسی، بالا و یا خیلی بالا می باشد. در همین راستا می توان این نکته را نیز یادآور شد که درصد بالایی از والدین فرزندان خود را تشویق می کنند که برای دکتر، مهندس، و یا استاد دانشگاه شدن تلاش کنند، یعنی بلند پرواز بودن و آینده نگر بودن را به آنها یاد می دهند. نتیجه این که به نظر می رسد ارزش ها، هنجارها و عادت هایی که بورديو ادعا می کند در فرانسه خاص فرهنگ طبقات مرفه و موفق جامعه هستند، در نمونه آماری مطالعه شده در این تحقیق، که از طبقات متفاوت هستند عمومی و فراگیر می باشند.

منابع

- 1- احمدی، حبیب و محمد تقی ایمان (1384) فرهنگ فقر، حاشیه نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه نشین ده پیاله شیراز در سال 1383، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد نوزدهم، شماره 2، صص 99-118
- 2- بورديو، پی یر (1983) شکل های سرمایه در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، از کیان تاج بخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، 1384، تهران: نشر شیرازه.
- 3- جانعلیزاده چب دستی، حیدر؛ غلامرضا خوشفر و مهدی سپهر (1389) در جستجوی سنجش سرمایه فرهنگی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ششم، شماره 20، پاییز. صص 217-238.
- 4- جلالی، محمدرضا (1386) تحلیل نابرابری های طبقاتی و نابرابری های آموزشی با تاکید بر نقش متغیرهای واسطه ای، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال بیست و سوم، شماره 3، پائیز، 15-54
- 5- حقیقتیان، منصور؛ فرشته حقیقت؛ سید رسول قریشی و پروانه محسنی پور (1390) تاثیر روابط خانوادگی بر بهداشت روانی فرزندان در شهر اصفهان، مجله تحقیقات نظام سلامت سال هفتم، شماره 3، مهر - آبان، صص 1-11

- 6- دهقان، حسین (1383) توسعه انسان محور در گرو آموزش و پرورش به آفرین، در آموزش و پرورش و گفت‌وگوهای نوین، از محمد علی محمدی و حسین دهقان گردآورندگان). تهران: انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- 7- زنجانی زاده، هما (1383) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی پیر بوردیو، مجله علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال اول، شماره 2، تابستان، ص 23-39
- 8- شیخی مبارکه، محمد رضا (1390) بررسی مقایسه‌ای سبک زندگی و عوامل موثر بر آن در بین کارکنان اداره آموزش و پرورش مبارکه و ذوب آهن اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان
- 9- قاسمی، وحید و مریم کاظمی (1387) تحلیل جامعه‌شناختی نقش خانواده در ایجاد سرمایه اجتماعی در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان، مجله علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال پنجم، شماره 1، صص 189-218.
- 10- کاظمی، سهیلا (1386) تاثیر سرمایه اجتماعی بر فعالیت شغلی دبیران مقطع متوسط شهرستان اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.
- 11- کلمن، جیمز (1990) بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، 377، تهران: نشر شیرازه.
- 12- کلمن جیمز (1988) نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی، در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، از کیان تاج‌بخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، 1384، تهران: نشر شیرازه.
- 13- نوغانی، محسن (1386) تاثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی در دست‌یابی به آموزش عالی، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال بیست و سوم، ماره 3، پائیز، 7-102.
- 14- Collins, Randall and Michael Makowsky. (1989). *The Discovery of society*. Fourth Edition. New York: Random House.

- 15- De Graaf , Nan Dirk, Paul M.De Graaf, and Gerbert Kraaykamp.(2000)."Parental Cultural and Educational Attainment in the Netherlands: A Refinement of the Cultural Capital Perspective " *Sociology of Education*, vol.73, no 2, April, pp.92-111
- 16- DiMaggio, paul and john mohr.(1985)."cultural capital, Educational attainment, and marital selection" *American journal of Sociology*/.0.pp.1231-1261/
- 17- Jaeger , Mads Meier . (2010)."Does Cultural capital Really Affect Academic Achievement? New Evidence from combined sibling and panel Data."From:paers.ssrn.com/so13/papers.cfm.
- 18- Lareau , Annette. (1987)." Social class Differences in family – school Relations : the Importance of cultural capital" . *sociology of Education* , v. 060 , April , pp. 73-85.
- 19- Lee, Jung –sook and Natasha K. Bowen . (2006)."Parental Involvement , Cultural Capital , and the Achievement Gap Among Elementary School Children " *American Educational Research journal*. Vol.43, no2,pp.193-214.
- 20- Newman , David M. (2006). *Sociology : Exploring the Architecture of Everyday life* . 6th Edition. Thousand Oaks, California: Sage Publications.
- 21- Sullivan, Alice.(2001)."Cultural Capital and Educational Attainment " *Sociology*, vol.35,n.4,pp.893-912
- 22- Villemez, wayne j.(2000)."Poverty" in *Encyclopedia of sociology*, Second Edition, by Borgatta, E.F.and R.J.V.Montgomery, (editors), New York:Macmillan co. vol.3,pp.2209-2217
- 23- Weininger, Elliot B.and Annette Lareau. (2006). "Cultural Capital" from: www.brockport.edu/sociology/faculty/Cultural-capital.pdf